اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**بحثی که شد دیشب به اینجا رسید نکته‌ی دیگری که بود که راجع به تعریف مصادر متوسط اصولا ما با یک مشکلی روبرو هستیم مثلا همین کتاب محمد بن علی بن محبوب را آیا مصدر متوسط بدانیم یا نه ، متوسط به این اعتبار که در کتاب تهذیب آمده کتاب به ما نرسیده است مصدر متاخر باشد چون این موجود بوده تا صد سال بعد از شیخ موجود بوده نسخه موجود بوده است ، عین نسخه موجود بوده است ، بعدها خوب دیگر از بین رفت .**

**این حدیثی که دیشب خواندید از این کتاب به اصطلاح محمد بن علی بن محبوب یهدی له مولاه المنقطع الیه ، به نظرم این روایت مراد من نبود یک روایتی است که به نام کلمه‌ی هدایا درش دارد اصلا تعبیر هدایا دارد ببینید این تعبیر را پیدا می‌کنید به نظرم در آنجا یک روایت دیگری دارد که هدایا دارد اصلا تعبیر هدایا دارد که درش خمس هست .**

**علی ای حال به این مناسبت ما یک توضیحاتی راجع به این کتاب و اینکه اصولا مرحوم اشعری از این آقای احمد بن هلال نقل می‌کند اینجا و جای دیگر فرقی هم نمی‌کند و کسانی دیگر هم نقل می‌کنند صاحب نوادر الحکمة هم از ایشان نقل می‌کند و اینکه انفراد دارد ایشان جای انصافا نکته‌ای جای بحث ندارد عبارت نجاشی هم که می‌گوید یعرف منها ضمیر منها به روایت برمی‌گردد ، صالح الروایة لکن یعرف منها از روایات ایشان نسخ ایشان بعضی‌ها معروفند بعضی‌ها معروف نیستند این منها به این معناست ، این چیزی که اینجا دارد .**

**این لا یعمل بما یختص بروایته عرض کردم در تهذیب لا اقل من سه مورد شما یک موردش را دیشب خواندید که آن خیلی به درد خور نبود حالا بعضی دیگرش را بیاورید به حساب ببینید در کل تهذیب من سه تا تا حالا دیدم سه جا می‌گوید لا یعمل بما یختص بروایته یا در خود تهذیب دیده یا نقل از تهذیب حالا درست در ذهنم نیست .**

**علی ای حال یک بحثی در این جهت بود البته این بحث راجع به این روایت خمس و هدیه را ما فعلا روی مصدر متوسطش بحث کردیم خوب از آن طرف مثلا می‌بینیم می‌شود از زاویه‌ی دیگر ابن ابی عمیر این را از ابان نقل می‌کند که ابان بن عثمان باشد و ایشان خوب ثقه و معروف و کتاب ایشان هم جزو کتب معروف بوده و محل کلام بوده است همین عبارت معروفی که احمد اشعری می‌گوید رفتم نزد وشاء کتاب ابان را از او بشنوم اصلا آنجا می‌گوید کتاب ابان است ، ابان بن عثمان یعنی این کتاب اینقدر در کوفه مشهور بوده که از**

**اما الان در ذهنم هست ابن ابی عمیر هم از ابان نقل می‌کند شما ابان تنها یا ابان بن عثمان بیاورید به نظرم در ذهنم ابن ابی عمیر نقل می‌کند اما آیا راوی کتاب مثل وشاء راوی کتابش است یا نه آن را الان در ذهنم نیست ، در فهرست نجاشی ابان را بیاورید و فهرست شیخ، ابان بن عثمان را بیاورید .**

**ما عرض کردیم یکی از راه‌های بسیار هنوز بهترین راه برای ما یعنی در درجه‌ی اول فعلا در شناخت کتب و طرقش و نسخه‌هایش فعلا همین دو تا فهرست هستند ، البته فهرست ابو غالب زراری هم هست که در درجات بعد است اما این دو تا فهرست خیلی موثرند ، فهرست شیخ و فهرست نجاشی در شناخت کتب مصادر و کیفیت آنها نزد ما تاثیر گذار است ، ابان چه دارد ایشان مرحوم شیخ ؟ ابان بن عثمان یا نجاشی ؟**

**و با اینکه کتابی که برایش نوشتند المبتداء نوشتند کتاب المبتداء والمغازی ، لکن خیلی روایت دارد یکی از مزایای ابان این است که تجارتش به بصره بود مقداری هم از میراث‌های بصره را به کوفه آورده است ابان دو تا نکته دارد هم از میراث کوفه نقل می‌کند هم واسطه‌ی نقل میراث بصره به کوفه است یعنی حلقه‌ی وصل همین ابان بن عثمان است رحمه الله .**

**یکی از حضار : حدیث نسبتا زیاد است**

**آیت الله مددی : بله ، عرض کردم داریم ما اما انما الکلام آیا راوی کتابش است نجاشی به عنوان راوی نسخه است ؟**

**یکی از حضار : در این جهتی که فرموده بودید بود اما در مورد نجاشی**

**آیت الله مددی : دارد عرض کردم داشتن دارد ، احتمالا از کتابش هم باشد کتاب معروفی بوده نمی‌شود انکار کرد اما انما الکلام آیا در طرقی که نجاشی یا شیخ دارند نسخه‌ای به اسم ابن ابی عمیر هست احتمالا ، که ابن ابی عمیر هم نسخه‌ای داشته است مثل وشاء ما وشاء عن ابان داریم و این معلوم است کاملا واضح است با آن قصه که یکی از نسخ معروف کتاب ابان همین نسخه‌ی وشاء است ، حسن بن علی**

**یکی از حضار : در نجاشی هر دو به احمد بن محمد بن ابی نصر عن ابان می‌خورد**

**آیت الله مددی : ها تقریبا معاصر با ابن ابی عمیر بخوانید طریق نجاشی را بخوانید تا ما یک ، چون ما بناست یک توضیحاتی راجع به فهرست نجاشی بدهیم حالا کم کم آشنا بشویم بله نجاشی چه می‌گوید ؟ توصیفاتش باشد حالا ابان و این بیچاره هم یکی از عجایب کار این است که اتهامات عجیب بعضی‌ها گفتند ناووسی بوده بعضی‌ها نوشتند واقفی بوده بعضی‌ها هم گفتند فطحی بوده خیلی عجیب است که بیگناه من نمی‌فهمم**

**یکی از حضار : ابان را**

**آیت الله مددی : ابان را ، چه گناهی کرده است که هیچ کدام از اینها نبوده است ، ناووسی که وجود خارجی ندارد این در رجال کشی در یک نسخه آمده کان من الناووسیة ، در یک نسخه‌ی دیگری آمده کان من القادسیة ، این برای قادسیة است ربطی به آن ندارد آن ناووسی که من می‌گویم ناووس اسم غلام حضرت صادق بوده قائل بوده که حضرت صادق امام زمان است و یک چیزهای اوهامی نوشته است ، همان که ناووسی که اصلا وجود خارجی‌اش معلوم نیست آن که هیچ .**

**عجیب است که مرحوم صاحب معالم می‌گوید از پدرم نقل شده که ابان فطحی است ، علامه نوشته واقفی است اینها را اصلا چه مذهبی به ایشان نسبت دادند هیچ کدام نیست و شیعه‌ی امامیه است هیچ بحثی نداریم ، چطور شده این دو تا مذهب متهافت هم به ایشان نسبت دادند آن را هم نفهمیدیم ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : مرحوم نجاشی مدخل 8 : له كتاب حسن كبير يجمع المبتدأ والمغازي والوفاة والردة. أخبرنا بها**

**آیت الله مددی : این ظاهرش می‌خورد به تاریخ یعنی ظاهر این کتاب اما خوب ما در احکام از او زیاد داریم ، این یجمع یعنی شاید نظر مرحوم نجاشی این باشد که اینها هم درش هست یک کتابی است که اینها هم هم درش هست ما در احکام ابان زیاد داریم و اینکه اینک کتاب کبیر است همینطور است یعنی کتاب حالا مبتداء و مغازی و رده و اینها را هم دارد این قسمت‌های تاریخی است اما از این شخص کتابش واقعا زیاد است و خیلی قابل اعتناء است یعنی از کتاب‌های قابل بحث بوده است ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : شیخ که می‌آید از اصلش جدا می‌کند می‌گوید یک اصلی هم دارد بعد طریق جدا**

**آیت الله مددی : احتمال دارد اصل داشته باشد**

**یکی از حضار : له اصل بعد طرق جدا برای آن**

**آیت الله مددی : عرض کردیم نجاشی اصول را نمی‌آورد شیخ می‌آورد او نمی‌آورد توضیحاتش را دادیم بفرمایید .**

**یکی از حضار : اخبرنا بها أبو الحسن التميمي قال**

**آیت الله مددی : این ابوالحسن التیمیمی هر وقت که آمد از منفردات نجاشی است بعدش هم ابن عقده است دیگر این روشن است**

**یکی از حضار: حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد**

**آیت الله مددی : بله این از مشایخ نجاشی است که بغدادی بوده از ادبا هم هست نحوی ، گاهی از او تعبیر شده المؤدب گاهی نحوی تعبیر شده است مؤدب یعنی به حساب معلم علم ادب یعنی نحو و صرف و اینها لذا مثلا سیوطی در بغیة الوعاة اسمش را دارد ابوالحسن التمیمی محمد بن جعفر تمیمی لکن شیخ از ایشان نقل نمی‌کند ، نمی‌دانم حالا درکش نکرده ، نخواسته است ؟ شاید در من حیث المجموع در نجاشی 50 مورد 48 مورد از این تمیمی تماما هم از ابن عقده است یعنی تمام مواردی که ایشان از تمیمی نقل می‌کند از ابن عقدة است و طریقی را که ایشان نقل می‌کند طبیعتا انفراد دارد شیخ این را نقل می‌کند ، ایشان توسط تمیمی می‌رود به کوفه از اینجا می‌رود به کوفه ابن عقدة در کوفه است .**

**یکی از حضار : قال : حدثنا علي بن الحسن بن فضال**

**آیت الله مددی : ایشان دارد ابن عقدة ابن فضال پسر را درک کرده است چرا راست است .**

**یکی از حضار : قال : حدثنا محمد بن عبد الله بن زرارة قال : حدثنا أحمد بن محمد بن أبي نصر عن أبان بها.**

**آیت الله مددی : محمد بن عبدالله هم بد نیست نوه‌ی زراره است بد نیست عن ابان ، این طریق ربطی به ابن ابی عمیر ، معلوم می‌شود طریق ابن ابی عمیر نبوده است ، شیخ چه طریقی دارد ؟ در این طریق یعنی ما در یکی از راه‌های خوب نسخه شناسی ما همین کتاب‌های فهرست است ، ابتدائا معلوم می‌شود نسخه‌ای بوده است البته این نسخه مرحوم جاشی خیلی وقت‌ها بیشترش به قم می‌آید اینجا به کوفه رفته است کوفه هم دارد زیاد است اما بیشتر به قم می‌آید این طریقی است برای کوفه بفرمایید ، اما شیخ .**

**یکی از حضار : چیز هنوز دارد : وأخبرنا احمد بن عبد الواحد**

**آیت الله مددی : این ابن الحاشر است که استاد ایشان است و از مشایخ به اصطلاح معروف بغداد است این از ابن قولویة نقل می‌کند از صدوق نقل می‌کند از عده‌ای نقل می‌کند مرد بزرگواری است بفرمایید .**

**یکی از حضار : قال : حدثنا علي بن محمد القرشي**

**آیت الله مددی : ایشان هم از علمای بغداد است این بعدش علی بن حسن بن فضال ایشان هم برمی‌گردد به ابن فضال .**

**یکی از حضار : قال : حدثنا علي بن الحسن بن فضال.**

**آیت الله مددی : حالا این طریق بحث علمی دارد نمی‌خواهم واردش بشوم ایشان از طریق أبو الحسن علی بن محمد بن زبیر القرشی نقل می‌کند از ابن فضال پسر که این طریق اول نجاشی هم برگشت به ابن فضال پسر .**

**یکی از حضار : وأخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال : حدثنا أحمد بن محمد**

**آیت الله مددی : ابو عبدالله بن شاذان ، آن ابن احمد بن عبدالواحد استاد مشترک است ، مرحوم شیخ طوسی هم از او نقل می‌کند از مشایخ بغداد است ، این ابو عبدالله شاذان از مشایخ باز مختص است مثل همان تمیمی که گفتم یعنی از مشایخ نجاشی است که شیخ نقل نمی‌کند ، ایشان ظاهرا از علمای قزوین بوده یک سفری حالا حج یا آمده عتبات آن سفر هنوز شیخ در بغداد نبوده است ، سفری که ایشان آمده هنوز شیخ بغداد نیامده است ، یکی از راه‌های ارتباط بغداد به قم این است ، ابو عبدالله شاذان ، راه ارتباط بغداد به قم این هم فقط نزد نجاشی چون شیخ ایشان را درک نکرده است ، چون اهل بغداد نبوده است ، یک سفری آمده که شیخ هم نبوده در بغداد لذا از ایشان نقل نمی‌کند ایشان غالبا از این علی بن حاتم و اینها نقل می‌کند ابن شاذان .**

**یکی از حضار : قال حدثنا احمد بن محمد بن يحيى**

**آیت الله مددی : ها از او هم زیاد نقل می‌کند پسر محمد بن یحیی عطار استاد کلینی از او هم زیاد نقل می‌کند .**

**یکی از حضار : قال : حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري قال : حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى قال : حدثنا أحمد بن محمد بن أبي نصر عن أبان بكتبه.**

**آیت الله مددی : بله هر سه طریق ایشان برگشت به بزنطی یعنی نسخه‌ای که مرحوم نجاشی دارد هر سه نسخه از طریق بزنطی است دو تایش برای کوفه است به دو طریق از ابن فضال پسر یکی هم برای قم است ، برای قم هم به حسب اصطلاح آن زمان شبهه‌ای که یعنی بهتر به اصطلاح این زمان نه آن زمان به حسب اصطلاح این زمان شبهه‌ای که دارد به خاطر احمد پسر محمد بن یحیی توثیقی ندارد همین جزو مشایخ اجازه است ، جزو مشایخ اجازه حساب شده است و غیر از این موارد هم نسبتا ایشان زیاد دارد مواردی که به اصطلاح ایشان چیز می‌کند از احمد همین آقای چیز از احمد نقل می‌کند همین آقای شاذان قزوینی از احمد نقل می‌کند بفرمایید .**

**یکی از حضار : بله ایشان ، اما شیخ خیلی مفصل است باید بخوانم ، مدخل شصت و**

**آیت الله مددی : عرض کردم کتاب معروف است کاملا واضح است کتاب معروف است و این نسخه‌ ، نسخه‌ی خوبی است ، هر نسخه خوب هستند اما این نسخه‌ای که هست احمد می‌شود قبولش کرد اگر از پدرش بود بهتر قبول می‌شد .**

**یکی از حضار : داشت بکتبه یعنی**

**آیت الله مددی : بله عرض کردم چون این کتاب کبیرش یعنی شاید چند کتاب بوده است**

**یکی از حضار : شیخ تصریح می‌کند می‌گوید همه‌ی اینها یک کتاب واحد است اینجا شیخ بین مصنف و اصل تفکیک کرده است می‌گوید ما عرف من مصنفاته كتابه الّذي يجمع «المبتدأ و المبعث و المغازي و الوفاة و السقيفة و الردة » بعد می‌فرمایند : أخبرنا بهذه الكتب- و هي كتاب واحد-**

**یکی از حضار : یعنی أبواب یک کتاب بودند .**

**آیت الله مددی : مثلا .**

**یکی از حضار : بعد می‌گوید و له اصل بین مصنف و اصل هم اینجا فاصله گذاشته است ،**

**أخبرنا بهذه الكتب- و هي كتاب واحد- الشيخ أبو عبد اللّه محمّد بن محمّد بن النعمان**

**آیت الله مددی : این مفید است استاد مشترک با نجاشی بفرمایید ببخشید**

**یکی از حضار : و الحسين بن عبيد اللّه**

**آیت الله مددی : ابن غضائری پدر ، حسین بن عبید الله ابن غضائری پدر این هم مشایخ مشترک با نجاشی است ،**

**یکی از حضار : جميعا، عن محمّد بن عمر بن يحيى العلوي الحسيني،**

**آیت الله مددی : این محمد بن یحیی حالا یک کمی محل کلام است بله العلوی بفرمایید .**

**یکی از حضار : قال: حدّثنا أحمد بن محمّد بن سعيد- قراءة عليه.**

**آیت الله مددی : باز هم به ابن عقده است رفت بغداد لکن توسط این محمد بن یحیی علوی رفت به بغداد ، رفت به کوفه معذرت می‌خواهم این احمد بن محمد بن سعید کوفی است از اینجا با نجاشی یکی می‌شود ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : و أخبرنا أحمد بن محمّد بن موسى، قال: أخبرنا أحمد بن محمّد بن سعيد، قال: حدّثنا (علي بن الحسن) بن فضّال،**

**آیت الله مددی : همه‌اش با نجاشی یکی می‌شود .**

**یکی از حضار : قال: حدّثنا محمّد بن عبد اللّه بن زرارة، قال حدّثنا أحمد بن محمّد بن أبي نصر، عن أبان .**

**آیت الله مددی : با نجاشی می‌روند به کوفه این دو طریق همه‌اش می‌رود به کوفه از بغداد می‌رود به طرف کوفه .**

**یکی از حضار : بعد ایشان یک انشعابی می‌زنند از ابن فضال : قال: (علي بن الحسن) بن فضّال: و حدّثنا إسماعيل بن مهران، قال: حدّثنا أحمد بن محمّد بن أبي نصر و محمّد بن سعيد بن أبي نصر جميعا، عن أبان.**

**آیت الله مددی : بله .**

**یکی از حضار : و أخبرنا أحمد بن عبدون**

**آیت الله مددی : این همان استاد نجاشی است که گفت عبد الواحد**

**یکی از حضار : ابن حاشر ؟**

**آیت الله مددی : ابن حاشر .**

**یکی از حضار : قال: حدّثني‌** **علي بن محمّد بن الزبير، قال: حدّثنا**

**آیت الله مددی : عین نجاشی است طریق نجاشی .**

**یکی از حضار : حدثنا علي بن الحسن بن فضّال‌ .**

**آیت الله مددی : عین نجاشی .**

**یکی از حضار : و أخبرنا الحسين بن عبيد اللّه قال: قرأته على أبي غالب‌ أحمد بن محمّد**

**آیت الله مددی : معلوم می‌شود تا آن زمان کتاب موجود بوده قرأت که می‌گوید معلوم می‌شود تا آن زمان همین کتاب ابان ، عرض کردم شهرت کتاب ، این را ببینید قرائن ما یکی یکی دقت کردید در کار فهرستی خیلی ریزه کاری‌ها هست از جاهای مختلف جمع می‌کنیم تا به یک نتیجه‌ای برسیم .**

**یکی از حضار : قال: حدّثنا** **جدّ أبي و عمّ أبي**

**آیت الله مددی : این در اینجا درست تعبیر نکرده است شیخ در اینجا درست تعبیر نکرده است این تعبیر این طوری نمی‌گفتند این اشتباه نوشته شیخ اشتباه نوشته است ، ایشان می‌گوید قرأت علی ابی غالب الزراری باید بگوید حدثکم ، وقتی قرأت می‌گوید نجاشی این را مراعات می‌کند می‌گوید قرأت علی فلان ، حدثکم**

**یکی از حضار : آن حدثنی است حدثکم ندارد**

**آیت الله مددی : حدثکم آنها وقتی قرائت می‌گوید ، می‌گوید قرأت علیه آن می‌گوید و حدثکم فلان به عنوان چون قرائت ، چون بر او قرائت شد می‌گوید به شما این آقا گفت نمی‌گوید دیگر حدثنا وقتی قرأت می‌گوید عرض کردم نجاشی چند مورد می‌خواهید بیاورید شاید 7، 8، 10 مورد است در نجاشی**

**یکی از حضار : یعنی قرأت کتاب شیخ را بر شیخ**

**آیت الله مددی : ها وقتی می‌گوید قرأت علیه آن وقت چه می‌گوید مثلا فرض کنید می‌گوید قرأت بر شیخ طوسی که از استادش مثلا مفید این طور می‌گوید قرأت علی الشیخ الطوسی حدثکم مفید ، حدثکم .**

**یکی از حضار : بله قرأتها علیه ، حدثکم ابوالفضل عبدالله**

**آیت الله مددی : ببینید این برای نجاشی است ، دقت کردید ؟**

**یکی از حضار : قرأت علی الحسین بن عبدالله حدثکم احمد بن محمد بن زراری عن جده**

**آیت الله مددی : دقت کردید ؟**

**یکی از حضار : همین طریق هم هست**

**آیت الله مددی : اگر قرأت این نکته‌ی من چند دفعه این نکته را توضیح دادم اگر قرأت بگوید آن وقت بعد حدثکم می‌گوید**

**یکی از حضار : یعنی من خواندم استاد به شیخ استماع می‌فرمود**

**آیت الله مددی : ها آن وقت این می‌خواهد بگوید به استادش که به شما این شخص برای شما تحدیث کرد دقت کردید ؟ نمی‌گوید او حدثنی دیگر ، من خواندم ، من خواندم که حدثنی نیست که ، این ها ، این شیخ نجاشی در اینجا دقیق تر است شاید هفت ، هشت مورد من در نجاشی دیدم حدثکم دارد وقتی می‌گوید قرأت علیه می‌گوید حدثکم نمی‌گوید حدثنا ، اینجا می‌گوید قرأت علی ابی غالب حدثنا این نمی‌شود ، می‌شود به این معنا که در کتاب ابو غالب اینطور بود کتاب ابو غالب را خواندم اها در کتاب ابو غالب بود حدثنا ، این می‌شود توضیح کرد ، ها دقت کردید ؟ اما متعارفشان حدثکم است ، چون می‌گوید قرأت علیه ، باید بگوید حدثکم اینکه متعارفی که نجاشی دارد نمی‌دانم حالا چند مورد است کلا چون ایشان دو موردش را خوانده اما به نظرم بیشتر است من در نجاشی بیشتر دیدم که وقتی قرأت می‌گوید حدثکم می‌گوید دقت کردید ؟ و فنی تر هم هست انصافا نکته‌ی فنی در اینجا مراعات شده است ، بفرمایید . بعد از ابو غالب ؟**

**یکی از حضار : قال: حدّثنا جدّ أبي و عمّ أبي محمّد و علي إبنا سليمان، عن علي بن الحسن بن فضّال. و أخبرنا أبو الحسين‌ابن أبي جيد القمي**

**آیت الله مددی : اینها باز طریق دیگر اینها بغدادی هستند برگشتند به**

**یکی از حضار : خود ایشان هم می‌گوید که**

**آیت الله مددی : بله برگشتند به ابن فضال پسر که در بغداد بوده نسخه‌ی ابن فضال پسر ، تصادفا نسخه‌ی ابن فضال پسر خیلی در قم جا نیافتاده بوده است اینها در فهارس نسخه‌ی ابن فضال پسر خیلی نقش دارد اما در روایت قمی‌ها خیلی نقش ندارد بفرمایید .**

**یکی از حضار : بله عرض شود که و اخبرنا ابوالحسین ابن ابی جید القمی**

**آیت الله مددی : ابن ابی جید القمی ، از اینجا می‌رود به قم ، هنا به بغداد بود ، به کوفه بود ، آنهایی که رفت به ابن فضال پسر به کوفه بود از بغداد به کوفه ، از اینجا بغداد به قم ، عرض کردیم یکی از حلقه‌های مهم بین قم و کوفه ، بین قم و بغداد همین جناب ابن ابی جید است که عادتا جاهایی دارد غیرش ، عادتا از فهرست مرحوم ابن الولید است این یکی از راه‌های ارتباط بین بغداد و قم است ، از بغداد به قم می‌آید حالا این نسخه‌ی قمی بفرمایید ، ابن ابی جید ، یعنی اینها این نسخ را می‌آوردند اشاره‌ی به انواع و تعددی نسخی که موجود بوده است ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : و أخبرنا أبو الحسين‌ ابن أبي جيد القمي و الحسين بن عبيد اللّه جميعا، عن أحمد بن محمّد بن يحيى العطّار،**

**آیت الله مددی : اینجا ببینید اینجا از احمد بن محمد بن یحیی از ابن الولید نیست عرض کردم ما چند مورد در شیخ داریم شاید در نجاشی یک مورد باشد و نفهمیدیم هنوز اما در شیخ بیشتر است شاید هفت ، هشت ، ده مورد من در شیخ دیدم ، ابن ابی جید عرض کردم از ابن الولید گاهی هم از غیرش از این نقل می‌کنند ، احمد پسر محمد بن یحیی این هم برای ما کمی ابهام دارد هنوز دقت کردید ، این هم برای ما کمی ابهام دارد ابن ابی جید خیلی کم است در نجاشی شاید یک مورد باشد ، که یک مورد من اگر دیدم ابن ابی جید از احمد پسر محمد بن یحیی نقل می‌کند حالا در ذهنم یک مورد می‌آید شاید آن همان یک مورد هم اشتباه باشد ، اما شیخ دارد که این یک مقداری**

**چون ابن ابی جید معروف است به ابن الولید خیلی واضح است کاملا واضح است که معروف است ، از طرف دیگر ابن غضائری پدر هم از احمد پسر محمد بن یحیی نقل می‌کند این هم خیلی بعید است ، خیلی بعید به ذهن می‌آید ، فوق العاده بعید به ذهن می‌آید . چون احمد را نداریم به بغداد رفته یا ابن ولید رفته به ، ابن غضائری رفته باشد به قم .**

**بله احمد بن محمد دیگری داریم که آن پسر ابن الولید است آن هم احمد بن محمد است هر دویشان احمد بن محمد است یکی‌شان پسر ابن الولید است یکی‌شان پسر محمد بن یحیی عطار است این احتمالا احمد بن محمد پسر ابن الولید باشد ، این استاد مفید است این بغداد آمده است ، اما احمد پسر محمد بن یحیی این استاد صدوق است و ابن غضائری در رتبه‌ی مفید است بعید است از احمد بن محمد این سند در فهرست شیخ هست ها منحصر به اینجا نیست ، این هم برای ما یکی از جاهایی است که معضل است برای ما که اصلا این را چطوری حلش بکنیم معضلی شده برای من حلش ، چون هم روایت ابن ابی جید از آن احمد بعید به ذهن می‌رسد چون ایشان شاگرد ابن الولید است اصلا و هم روایت ابن غضائری از آن احمد بعید به ذهن می‌رسد ، شاید احمد بن محمد بوده که مراد پسر ابن الولید است دقت کردید ؟ آن پسر ابن الولید است این کسی است که مرحوم مفید از او نقل می‌کند ، احمد پسر محمد بن یحیی را صدوق از او نقل می‌کند رتبه‌ی صدوق و مفید رتبه‌ی استاد و شاگرد است بعید است ابن غضائری بیاید از احمد پسر محمد بن یحیی نقل بکند .**

**یکی از حضار : چرا در سیاری طریق همین است ،**

**آیت الله مددی : چه کسی ؟**

**یکی از حضار : ابن غضائری عن ، اخبرنا الحسین بن عبید الله قال حدثنا احمد بن محمد بن یحیی در نجاشی**

**آیت الله مددی : می‌گویم شاید همین یک مورد باشد**

**یکی از حضار : و الا سایر موارد همه‌اش همان ابا عبدالله قزوینی و محمد بن علی القزوینی که**

**آیت الله مددی : بله شاید حالا یک مورد ، گفتم یک مورد در نجاشی باشد**

**یکی از حضار : چرا باز هم یکی دیگر الان در کتاب**

**آیت الله مددی : من در ذهنم یک مورد بود**

**یکی از حضار : در کتاب محمد بن عیسی هم می‌گوید اخبرنا بکتبه الشیخ ابو عبد الله حسین بن عبید الله و ابو عبد الله بن شاذان قالا حدثنا احمد بن محمد بن یحیی**

**آیت الله مددی : در نجاشی گفتم کم است ، شیخ بیشتر دارد .**

**یکی از حضار : بعد احمد بن حسین بن عمر می‌گوید له کتاب لا یعرف منها الا النوادر قرأت انا و احمد بن الحسین علی ابیه عن احمد بن محمد بن یحیی**

**آیت الله مددی : بعید می‌دانم باید احمد بن محمد بن ولید باشد ، فکر می‌کنم .**

**یکی از حضار : اما بیشتر نقل‌هایش همه‌اش از چیز است ابن شاذان است تک و توک هم دارد مثلا احمد بن علی بن نوح صیرافی**

**آیت الله مددی : بله آن ممکن است**

**یکی از حضار : اما همه‌اش عن ، همان ابو عبدالله قزوینی ابن شاذان**

**آیت الله مددی : ابن شاذان است .**

**علی ای حال یک شبهه‌ای برای ما هست اما در فهرست شیخ بیشتر است شاید هفت ، هشت ، ده مورد است که این آقا از آن آقا نقل می‌کند به نظر من یک کمی شبهه دارد به هر حال به ذهن من حالا جلالت شأن**

**یکی از حضار : یکی دیگر هم الان در همین نجاشی پیدا شد می‌گوید که در جمیل دراج گفته که وله کتابٌ اشترک با مرازم بن حکیم اخبرنا حسین بن عبید الله قال حدثنا احمد بن محمد بن یحیی**

**آیت الله مددی : به نظرم این سند خرابی دارد**

**یکی از حضار : حفص بن علاء هم ببخشید همین را می‌گوید له کتاب یرویه عنه محمد بن ابی عمیر اخبرنا حسین بن عبید الله قال حدثنا**

**آیت الله مددی : حالا به هر حال این را هنوز نشناختیم گفته شده اما هنوز خود من احراز واقعی‌اش برای من مشکل است .**

**یکی از حضار : عدة من اصحابنا هم در مورد کتاب خلف بن حماد دارد ، عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن یحیی**

**آیت الله مددی : همه‌ی اینها به یک واسطه می‌خورد به چیز می‌خورد به احمد پسر ابن الولید نمی‌خورد به احمد**

**یکی از حضار : عیان بن سلط قال ابو عبدالله حسین بن عبید الله اخبرنا احمد بن محمد بن یحیی**

**آیت الله مددی : داریم ، پس این هفت ، هشت ، ده مورد در نجاشی هم هست من خیال کردم**

**یکی از حضار : زکریا بن محمد له کتاب منتهی الحدیث اخبرنا الحسین وغیره عن احمد بن محمد بن یحیی**

**آیت الله مددی : به نظرم**

**یکی از حضار : عده هم ببخشید دارد ، عده هم در سهل بن یسع**

**آیت الله مددی : پس زیادتر از یک مورد است موارد ده ، تا اینجا که ده ، دوازده تا شد حرف سین که حدود ده ، دوازده تا هم شده است.**

**یکی از حضار : بعد تازه ادعا را هم حساب کنید که فرمودید حسین هست .**

**آیت الله مددی : بله علی ای حال با تمام این حرف‌ها هنوز آن شبهه در ذهن من قوی است که احمد پسر محمد بن یحیی رابطه‌اش هنوز با حسین بن عبید الله ، مگر اینکه به نحو نامه به ایشان مثلا مراسله کرده نامه نوشته است آن هم نمی‌دانم اصلا طبقه‌اش به او بخورد یا نخورد چون او استاد صدوق است حالا شاید مثلا ایشان هم درکش کرده است به نحو نامه و شواهد خارجی واضحی که به بغداد آمده یا ایشان به قم آمده الان در اختیار نداریم ، داریم عرض کردم چند مورد داریم اما از سابق همین طور در ذهنم خلجان داشت که این یک کمی خالی از شبهه نباشد این طریق خالی از شبهه نباشد ، بفرمایید ، شیخ همان ابان را بخوانید .**

**یکی از حضار : بله ، عن أحمد بن محمّد بن يحيى العطّار، قال: حدّثنا عبد اللّه بن جعفر الحميري،**

**آیت الله مددی : ایشان از حمیری نقل می‌کند راست است ؛**

**یکی از حضار : قال: حدّثنا أحمد بن محمّد بن عيسى،**

**آیت الله مددی : درست است ؛**

**یکی از حضار : قال: حدّثنا أحمد بن محمّد بن أبي نصر، عن أبان.**

**آیت الله مددی : این درست است ، اصلا نسخه‌ی بسیار صحیح و خوب کتاب ابی نصر بزنطی است احمد بن محمد ، همان نسخه‌ای است که احمد اشعری نقل می‌کند چند تا نسخه از او در قم هست یکی نسخه‌ی سهل بن زیاد یکی نسخه‌ی احمد اشعری این بهترین نسخه‌ی کتاب بزنطی در قم است ، در قم ایشان است ، درست است**

**یکی از حضار : روی آن تعلیقه می‌زنند می‌فرمایند : هذه رواية الكوفيين، و هي رواية ابن فضّال، و من شاركه فيها من القميّين، و هناك نسخة أخرى أنقص منها رواها القميّون. أخبرنا بها الحسين بن عبيد اللّه، عن أحمد بن جعفر بن سفيان، قال:**

**آیت الله مددی : احمد بن جعفر بن سفیان بزوفری خودش چیز ندارد ابو عبد الله حسین بن علی بن سفیان آن جزو مشایخ مشهور است اما ایشان هم هست ، این احمد بن جعفر که احتمالا پسر برادر اوست یا ایشان با از احمد بن ادریس نقل می‌کند .**

**یکی از حضار : بله ، حدّثنا أحمد بن إدريس،**

**آیت الله مددی : احمد بن جعفر بن سفیان آنچه که ما ظاهرا احمد بن ادریس در سفری که آمده برود برای حج برای این آقا نقل کرده است این رابط بین بغداد و قم است چون ما در بحث فهرستی یکی از کارهایی که خیلی می‌خواهیم آشنا بشویم ربط بین دو تا شهر که این نسخه چطور از این شهر به آن شهر رسیده است ، رابط بین قم و بین بغداد یکی همین احمد بن جعفر است و ایشان از ابن ادریس به نظرم در یک جا دارد عند مروره ببغداد سنه‌ی به نظرم 308 مثلا یک چنین چیزی ، 208 ، 308 در یک جایی دارد حالا در کجاست در کتاب امالی شیخ طوسی است کجاست دارد اسم احمد بن جعفر بن سفیان عن احمد بن ادریس اخبرنی عند مروره ببغداد الی الحج الی کذا سال به نظرم 308 ، 305 یک چنین چیزی ایشان در آنجا به ایشان خبر داده و ایشان از او نقل می‌کند این را ما داریم چرا ، این را ما داریم احمد بن جعفر بن سفیان بزوفری بله ، یک جایی دارد که تصریح می‌کند عند مروره سالش را هم می‌گوید سال 308 یا نمی‌دانم چند است یک مورد من دیدم حالا یک مورد من دیدم شاید بیشتر هم باشد .**

**یکی از حضار : قال: حدّثنا محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب، عن جعفر بن بشير ، عن أبان.**

**آیت الله مددی : این نسخه هم نسخه‌ای است که به اصطلاح از راه قم آمده اما برمی‌گردد زود به کوفه دیگر جعفر بن بشیر برای کوفه است محمد بن حسین هم برای کوفه است ، جعفر بن بشیر هم برای کوفه است ، احمد بن ادریس نقل می‌کند این نسخه به لحاظ صحت خیلی صحیح است فقط همان احمد بن جعفر آن هم بد نیست از مشایخ است نسخه‌ای است که مرحوم جعفر بن بشیر نقل می‌کند از کتاب ابان ، انقص بودن هم دلیل بر اشکال نیست این را حالا یک وقت دیگر توضیح می‌دهیم باشد ، بفرمایید ، دیگر بفرمایید .**

**البته عادتا شیخ این قدر نقل نمی‌کند این خلاف قاعده‌ی شیخ است اما خیلی انصافا در اینجا مرتب و**

**یکی از حضار : یکی از موارد استثنایی است که اینقدر**

**آیت الله مددی : ها موارد استثنایی است که اینقدر زیاد نقل کرده است و توصیف هم کرده است این نسخه را می‌گوید رواه الکوفییون نسخه به قم می‌آید از قم می‌آید به کوفه ، از بغداد نمی‌رود به کوفه این نسخه ، آن نسخه‌های دیگر از بغداد می‌رود کوفه توسط ابن فضال پسر و ابن عقده می‌رود به کوفه ، این نسخه نه آمده به قم توسط احمد بن ادریس از قم باز رفته به کوفه یعنی از بغداد آمده به قم از قم رفته به کوفه فرقش با آن ، لذا این هم یکی دیگر از مشکلات که ما این را ما قمی بدانیم یا بغدادی بدانیم چون هر دو جهت را دارد ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : بله قال حدثنا محمد بن الحسین بن ابی الخطاب عن جعفر بن بشیر عن ابان .**

**آیت الله مددی : بله ، خوب است نه این طریق خوب است ، احمد بن جعفر**

**یکی از حضار : طریق آخر هم و أخبرنا أبو الحسين ابن أبي جيد، عن محمّد بن الحسن بن الوليد،**

**آیت الله مددی : این ابن الولید است این ابن ابی جید از ابن الولید درست است توسط ابن ابی جید خودش قمی است ، خودش قمی است آمده بغداد میراث قم را به بغداد آورده است ، میراث فهرستی قم را به بغداد آورده است این درست است کاملا صحیح است مشکل ندارد ، کاملا یعنی به اعتبار اینکه اصحاب فهارس ما برایش اعتماد کردند و توضیحاتی اجمالا عرض کردم بفرمایید .**

**یکی از حضار : بله عن المعلّى بن محمّد البصري، عن محمّد بن جمهور العمي‌ ، عن جعفر بن بشير** **عن أبان بن عثمان.**

**آیت الله مددی : این طریق به حساب مصدر متوسطش بصره است اهل بصره است ، معلی خودش یکی از طرق ارتباط قمی‌ها به بصره است معلی بن محمد البصری تضعیفی هم شده است قیل کذا این از آن مواردی است که آقای خوئی به خاطر کامل الزیارات قبولش داشتند بعد برگشتند ، وقتی از کامل الزیارات برگشتند از توثیق این آقا دست برداشتند ، یکی از مواردی که دائما سوال می‌کنند اختلاف مبنا این معلی بن محمد است ، معلی بن محمد غالبا واسطه است بین کلینی و حسین بن محمد ، بین حسین بن محمد واسطه است یعنی از طریق حسین بن محمد اشعری عن معلی برمی‌گردد به محمد بن جمهور و اینها در بصره این بعدی‌هایش بصری هستند حالا معلی بن محمد بصری رابط بوده برای میراث بصره به قم ، یکی از روابط میراث بصره به قم است معلی و توثیق درستی هم ندارد تضعیفٌ مائی هم شده است ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : و له أصل. أخبرنا به عدّة من أصحابنا، عن أبي المفضّل محمّد بن**

**آیت الله مددی : خوب حالا اینجا چون ابو المفضل ضعیف است ممکن است ابوالمفضل اشتباه کرده است یکی از کتاب‌هایش را اصل تصور کرده است آن وقت این کتاب ابو المفضل در اختیار مرحوم نجاشی بوده اعتماد رویش نکرده است ، نجاشی حسابش نکرده ، قبولش نکرده است ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن أبي جعفر محمّد بن جعفر بن بطّة، عن أحمد بن محمّد بن عيسى،**

**آیت الله مددی : ابو المفضل چون به قم آمده اصولا ابو المفضل در سنی‌ها هم خیلی عنوان دارد چند دفعه عرض کردم یکی از کارهای خیلی مهم ایشان رحله‌ی در حدیث زیاد دارد علمای شیعه غالبا نداشتند ایشان از علمای شیعه است که رحله داشته و علمای سنی را هم زیاد دیده است نمی‌دانم شام رفته ، مصر رفته ، یمن رفته ، خیلی خیلی قم آمده یکی از حلقه‌های ربط و نجاشی ایشان را دیده البته 13 ساله بوده نجاشی وقتی ایشان را دیده وقت فوتش و می‌گوید از او شنیدم الا انی رأیت اصحابنا یضعفونه . بله دیدم تضعیفش کردند از او تجنبته، خود اهل سنت هم تضعیفش کردند در تاریخ بغداد در اهل سنت بیشتر عنوان دارد تا بین ما نجاشی ایشان را ملاقات کرده است بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن احمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن أحمد، عن أبان.**

**آیت الله مددی : عن ابن بطة ، ابن بطة از مشایخ قم است که از احمد اشعری ، اما ابن بطة غالبا از احمد برقی نقل می‌کند ، از احمد اشعری هم ممکن است نقل کند ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن احمد بن محمد بن عیسی عن الحسن بن احمد عن ابان ، بعد**

**آیت الله مددی : عن حسن بن احمد ؟**

**یکی از حضار : بله این حسن است در نسخه‌ی بدل هم محسن بن احمد است**

**آیت الله مددی : همان محسن بن احمد یک اسم دیگری دارد اسم قشنگی دارد جفری ، جیفری ، یک چنین اسمی دارد محسن بن احمد کذا به نظر من می‌رسد**

**یکی از حضار : محسن بن احمد بن قیسی ما در روات ابان داریم**

**آیت الله مددی : همین می‌گویم ما یک چیزی داریم یا قیسی یا یک چیز دیگری**

**یکی از حضار : راوی‌اش هم احمد بن محمد بن عیسی است**

**آیت الله مددی : بله داریم این را ما داریم چرا ، محسن بن احمد در این طبقه داریم بله**

**یکی از حضار : بله ، بعد انگار برمی‌گردند به کتاب دوباره به همان مصنف می‌گویند : و بهذا الإسناد عن أحمد بن محمّد بن عيسى، عن ابن أبي نصر، عن أبان كتاب المغازي.**

**آیت الله مددی : همان طریق به حساب ، این طریق‌ها عرض کردم ما بین قم و عراق است تا احمدش قمی است بعد بزنطی عراقی می‌شود بعدش ؟**

**یکی از حضار : تمام شد .**

**آیت الله مددی : معلوم شد ابن ابی عمیر راوی کتابش نیست حالا خلاصه‌ی بحث بعد از تمام این طرق فراوان بزنطی هست اما مثلا ابن ابی عمیر نیست چون یک احتمال در این حدیث که دیشب ما خواندیم این بود که این از کتاب ابن ابی عمیر باشد شرحی داده شد آن وقت چون ابن ابی عمیر از ابان نقل می‌کند خوب یک احتمال می‌ماند که از کتاب ابان باشد دقت می‌کنید می‌خواستم امشب این را بگویم یعنی ما دیشب فقط روی بحث مصدر متوسط ، شاید احمد بن هلال توسط ابن ابی عمیر از کتاب ابان نقل کرده است، شاید مثلا اگر نقل باشد اولا معلوم نیست از کتاب باشد چون در فهارس نیامده است اما ممکن است به هر حال از او نقل کرده باشد لکن همان مشکلی که عرض کردیم برقرار است یعنی این مطلب را اولا غیر از ابان کسی نقل نکرده است از ابان هم فقط منحصرا ابن ابی عمیر با اینکه ما مثل بزنطی و اینها داریم نقل کردند و چون احمد بن هلال انفراد دارد یا منفردا از کتاب ابان نقل کرده یا منفردا از کتاب ابن ابی عمیر به ذهن ما منفردا از کتاب ابن ابی عمیر نقل کرده است همین بحث‌هایی که دیشب عرض کردیم .**

**آن وقت تاریخی که دیشب عرض کردیم اگر بخواهیم تکمیلش کنیم این طوری است این روایت در نیمه‌ی قرن دوم به امام صادق ، توسط ابان و ابو بصیر به امام صادق نسبت داده شده است . خوب شاید شما بگویید شما گفتید در قرن سومش اشکال کردید دیگر اصلا معلوم نیست که ابان نقل کرده باشد شبهه دارد دیگر ، نه می‌گوییم اگر ظاهر را نگاه بکنیم ، و الا خوب ما عرض کردیم شواهد ما حاکی است که این در کتاب ابن ابی عمیر نبوده و صحبت ابان و اینها معلوم نبوده است لکن ظاهر کلام را اگر نگاه بکنیم نگاه به ظاهر کلام .**

**یک شوخی معروف هست که یکی از این قصاصین ، قصاصین خوب قصه پردازی می‌کردند حکایات عجیب و غریب ، گفت آن گرگی که حضرت یوسف را خورد اسمش دردائیل بود ، یک کسی از پایین گفت آقا در قرآن گفت گرگ نخورد دروغ بود آن مطلب گرگ نخورده بود گفت خوب آن گرگی که نخورده بود اسمش دردائیل بود .**

**حالا اینجا هم من که می‌گویم ابان نیست باز می‌گوید نمی‌خواهیم بگوییم ابان هست ، گفت گرگی که نخورده بود حالا قصه ما که الان که کتاب ابن ابی عمیر را دیدیم ، لکن به حسب این اسمائی که الان هست در نیمه‌ی قرن دوم آمده جای دیگری هم نیامده و در نیمه‌ی قرن سوم احمد بن هلال منفردا از کتاب ابن ابی عمیر نقل کرده است کسی دیگری هم از این کتاب نقل نکرده است .**

**و بعد اواخر قرن سوم این کتاب رفته به قم ، قمی‌ها هم از این حدیث را اصلا نقل نکردند در قرن چهارم که قرن تنقیح احادیث است مثل کافی و فقیه و اینها نقل نکردند در قرن پنجم هم مرحوم شیخ طوسی نقل نکرده است در قرن ششم هم شیخ ابن ادریس آورده آن هم به عنوان نقل روایت و الا خود ایشان به خبر صحیح هم عمل نمی‌کنند ، این تاریخ اجمالی این روایت ، این تاریخ اجمالی به حسب مبانی فهرستی است نه به حسب مبانی رجالی ، به حسب مبانی رجالی همان بحث‌هایی که دارند ، البته این بحث هست که حالا چون مبانی رجالی هم دارد مبانی رجالی ، اگر یک وقت دیگر فرصت شد من وارد بحثش بشوم الان نمی‌خواهم اینجا وارد بحثش بشوم خوب این**

**یکی از حضار : یک حدیثی که کلمه‌ی هدایا فرمودید دارد**

**آیت الله مددی : یک حدیث داریم الهدایا برای همین**

**یکی از حضار : من نگاه کردم اصلا یک چیزی هم نقلی که کردند همین است ،**

**یکی از حضار : یا هدیه ؟**

**آیت الله مددی : الهدایا من دیدم**

**یکی از حضار : در قاموس الشیعة**

**آیت الله مددی : الهدایا من یادم است ، در ذهنم این کلمه‌ی الهدایا را در حدیث دیدم یعنی کلمه‌ی الهدایا هست نه هدیه ، کلمه‌ی هدایا یا الهدایا در روایت هست ، در همان مستطرفات سرائر همین حدیث هدایاست ، چون ببینید ما در باب مثل جایزه اگر روایت دارد الجایزة اذا کان لها خطر ، این مطلق هدیه را نمی‌گیرد خطیر را می‌گیرد ، این هدیه‌ای که ایشان خواند مولاه المنقطع الیه ، که حالا مولاه در اینجا به معنای باید مالک باشد اگر مالک باشد که معلوم نیست حالا بحث معروفی است که عبد مالک می‌شود یا نه ، مالک به عبد خودش هدیه بدهد این خیلی حرف عجیب و غریبی است است اصلا دادن المنقطع الیه اصلا مولاه المنقطع الیه یعنی چه نمی‌فهمیم ما اصلا این هم مرادش آیا همان جایزه بوده است ؟**

**اما به نظر من یک حدیثی بود درش هدایا بود ، این دیگر ، این چون قید دارد مولاه ، این ممکن است به درد هدیه نخورد کلا ، اما هدیه حدیثی داریم در مورد هدیه اصلا در مورد خود هدیه عنوان هدیه حالا می‌خواهید کتاب آقای خوئی را بیاورید ، خمس آقای خوئی را بیاورید ، علی ای در ذهن من الهدایا هست دیشب می‌خواستم بگویم وقتی که ایشان خواند غیر از این روایت به نظرم یک روایتی هست که تصریح به هدایا دارد که با همین طریق است به همین طریقی که دیشب خواند .**

**یکی از حضار : در رسائل هم باب وجوب الخمس فی ما ... السنة که همین بحث هدیه را هم درش آوردند همین یک روایت است برای هدیه**

**آیت الله مددی : نه جایزه را هم که می‌گیرد ، جایزه**

**یکی از حضار : نه روایت هدیه را عرض می‌کنم .**

**آیت الله مددی : علی ای حال من در ذهنم هست که یک روایتی راجع به عنوان هدایا بوده حالا شاید در متن فقهی بوده من اشتباه کردم به متن روایت ، این روایت یک مبهم ابهام لفظی هم ، متنی هم دارد یهدی مولاه المنقطع الیه ، اگر مولی مالک باشد به عبد خودش هدیه داد به معنای خمس اصلا خیلی بعید است اصلا ما به قول معروف عبدا مملوکا لا یقدر علی شیء تفسیرش این است که مالک نیست شاید لعل مشهور بین علما این بوده که مالک نیست جیب به جیب کرده است در حقیقت و این در جیب به جیب کردن کسی قائل به هدیه نیست علی ای از این جیبش به آن جیبش بکند کسی قائل به هدیه نیست ، اما به ذهن من هست که روایتی هست که روی عنوان هدیه مطلق است ، روی خود عنوان هدیه که آقای خوئی هم به آن یعنی آقایانی که قائل شدند به آن تمسک کردند .**

**حالا خمس آقای خوئی را بیاورید شاید نوشته باشد ، این نکته‌اش هم ، بله آقا ؟**

**یکی از حضار : در کتاب خمس را آوردم**

**آیت الله مددی : این مطلب هم دیشب می‌خواستم توضیح بدهم که حالا امشب گفتیم تکمیلش کنیم .**

**بحثی که داشتیم ما این بود که تشخیص این مصدر متوسط و غیر متوسط مشکل دارد ، این مشکل یک جا نیست یکی از نقاط مشکل قسمت‌هایی است که توقیعات است اینها را ما مصدر متوسط بدانیم یا ندانیم چرا مثلا محمد بن عیسی عبیدی ، ایشان ظاهرا ایران آمده در شهرها گشته کسانی که استفتائات از امام هادی داشتند جمع آوری کرده ، استفتائات را افراد نوشتند این نوشتارها را از مصدر اول حساب بکنیم این جمعی که ایشان ، ایشان جمع کرده استفتائات را که اسمش شده توقیعات این را مصدر ثانی یا مصدر متوسط حساب بکنیم یا نه، بگوییم وقت کتاب شد دست ایشان کتاب شد این مصدر اول این است ، اصلا آن استفتائات مصدر نیست ، دقت کردید ؟ استفتائات سوالاتی بوده که افراد کردند ، یکی از نقاط ابهام این است که ما این را کتاب محمد بن عیسی را مصدر اول حساب بکنیم ، دقت می‌کنید؟**

**بله یک توقیعاتی دارد مرحوم صفار به حضرت عسکری نه هادی ، حضرت عسکری جمع کرده که عرض کردیم این توقیعات هم در مقدار بیشترش در فقیه آمده است مقدار بیشترش ، مقداری هم در کافی آمده در تهذیب هم آمده است اما در فقیه بیشتر آمده است توقیعات صفار الی ابی محمد این ظاهرا دیگر مصدر اول است چون خودش هم نوشته خودش هم جمع کرده است دیگر ظاهرا مصدر اول است خودش استفتائات را به حضرت نوشته خودش اینها را منظم کرده است مرتب کرده است این را مصدر اول حساب می‌کنیم چون دیگر شبهه ندارد که مصدر دوم باشد ، اگر صدوق نقل می‌کند از مصدر اول نقل کرده است .**

**اما وقتی که مثل محمد بن عیسی چند نفر هستند اینها توقیعات به امام هادی دارند شنیدم در این کتابی که آقای میانجی رحمة الله علیه نوشتند در جلد 6 مکاتیب الائمة توقیعات حضرت هادی را جمع آوری کردند چون من آن کتاب را ندیدم الان نمی‌توانم چیزی بگویم اما چند دفعه ظاهرا گفتم تا حالا توقیعات امام هادی و روایات امام هادی جمع بشود یک باب عجیبی است یعنی یک ثروت علمی عجیبی است خیلی عجیب است ، خیلی .**

**از حضرت هادی زیارت هم زیاد نقل شده است به این مقدار و به این مثلا از حضرت جواد یا حضرت عسکری نقل نشده است و خیلی زیارت‌هایش کلیدی است یعنی خیلی زیارت‌های عجیبی دارد یکی‌اش همین توقیع ناحیه‌ی ، زیارت ناحیه‌ی مقدسه این از امام هادی است امام مهدی نیست ، یکی همین زیارت جامعه ، یکی همین زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر این خیلی عجیب است ، تقریبا ما در هیچ زیارتی مثل این نداریم هیچ زیارتی ، حدود 60 ، من سابقا می‌گفتم 100 تا یک چند روزی که شد ما موفق شدیم تقریبا هر روز یا یک روز در میان می‌خواندم غیر از غیر اصلا اینقدر خوشم آمده بود که اصلا زیارت امیرالمؤمنین را با همین غدیر ایشان غیر از غدیر هم بود حالا فرض کنید در ماه شعبان بود ، ما می‌خواندیم 60 – 70 تا آیه آورده در زیارت ما در هیچ زیارتی این قدر آیات قرآنی نداریم ، خیلی عجیب است این هم یکی از عجایب این زیارت این مقدار آیات قرآنی را حضرت هادی در مخاطبه با امیرالمؤمنین سلام الله علیه آوردند و طولانی هم هست انصافا .**

**یک زیارتی برای امام حسین دارند که به نظرم کلینی آورده یا مرحوم شیخ آورده است ، علی ای حال انصافا مجموعه‌ی روایات امام هادی را اگر توفیقی بشود جمع بشود مثل همین مجموعه‌ی ادعیه و تحلیل بشود و تحقیق بشود خیلی مجموعه‌ی لطیفی است و این مجموعه را از همان اوائل افرادی جمع کردند لکن به نحو مثلا آن کسی که این توقیعات را آورده است ، مثلا یکی از کسانی که این توقیعات را آورده است عبدالله بن جعفر حمیری است ، یکی از کسانی که آورده محمد بن عیسی عبیدی است ، یک کتابی هست بیاورید شما در کتاب مستطرفات سرائر دقت بکنید مسائل الرجال و مکاتباتهم الی ابی الحسن الثالث ، اسمش مسائل الرجال بیاورید در مستطرفات سرائر**

**ایشان در حقیت این کتابی را که ایشان از آن نقل کرده مرحوم ابن ادریس آقایان هم بحث کردند که این حجت هست نیست ، ما عرض کردیم توجه نکردند به این نکات ، این دو سه تا مجموعه‌ی توقیعات امام هادی است آن وقت دسته بندی توقیعاتش هم بر اساس آن کسی است که اینها را جمع کرده است نه بر حسب موضوعات مثلا روایت طهارت یک جا ، روایت صلاة یک جا این جوری نه ، آن چیست عبارتش را بخوانید**

**یکی از حضار : عبارتی که در این چاپی که ... شده از صفحه‌ی 121 ( قال ) : ومن ذلك ما استطرفناه من كتاب مسائل الرجال**

**آیت الله مددی : مسائل الرجال همین استفتائات یعنی**

**یکی از حضار : ومكاتباتهم إلى مولانا أبي الحسن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام والأجوبة .**

**آیت الله مددی : ها اینطور می‌گوید مسائل الرجال و اجوبتها اینطوری است عنوان ، روایت ابن عیاش نیست ؟**

**یکی از حضار : من ذلك رواية أبي عبد الله أحمد بن محمد بن محمد بن عبيد الله بن** **الحسن ابن عياش الجوهري**

**آیت الله مددی : این ابن عیاش که نجاشی می‌گوید از او شنیدم حدیث و ترک کردم این از کسانی است که این کاری که ما الان می‌گویم ایشان آن وقت انجام داده است ، ایشان متوفای 401 است ، عرض کردیم از مشایخی است که فقط نجاشی درک کرده است و مرحوم شیخ طوسی درک نکردند ، چون شیخ طوسی 408 آمده بغداد ، شیخ طوسی ابن عیاش را درک نکرده است دقت فرمودید ؟ لکن نجاشی درک کرده و تضعیف کرده است .**

**یکی از کارهایی که این ، توجه نکردند شرح این کتاب این است ، ابن عیاش در اواخر قرن چهارم در بغداد می‌آید مجموعه‌ای از این استفتائات را جمع آوری می‌کند ، دقت شد چه شد ؟ نجاشی هم روی ایشان نظر دارد و این ، بعضی‌هایش جای دیگر بعد بخوانید عبارت ایشان را**

**یکی از حضار : ورواية عبد الله بن جعفر الحميري .**

**آیت الله مددی : من به نظرم باید این طور باشد ابن عیاش آن وقت در کتاب ابن عیاش این بود واو نبوده در کتاب ابن عیاش : یک روایت عبدالله بن جعفر الحمیری سوالاتی که عبد الله بن جعفر حمیری ، لذا دقت کنید می‌گوید روایت ، روایت به مصدر دوم بیشتر می‌خورد ، یعنی عبد الله بن جعفر حمیری جمع کرده است و الا عبد الله بن جعفر حمیری به زمان امام هادی سوالات ندارد ، بخوانید .**

**یکی از حضار : نجاشی برایش نقل کرده کتاب مسائل الرجال و مکاتباتهم ابی الحسن الثالث**

**آیت الله مددی : بله می‌دانم ایشان جمع کرده است ، ایشان می‌گوید ابن عیاش از نسخه‌ی مرحوم حمیری ، بعد بخوانید چه نوشته است .**

**یکی از حضار : من مسائل أيوب بن نوح**

**آیت الله مددی : و مسائل ایوب بن نوح بله ،**

**یکی از حضار : اینجا الان این جوری چاپ شده است : من مسائل أيوب بن نوح شماره را هم ایشان از اینجا زدند ، 1. من مسائل أيوب بن نوح وكتب إلى بعض أصحابنا : عاتب فلاناً وقل له**

**آیت الله مددی : بعد ؟**

**یکی از حضار : 2. أيوب بن نوح قال : كتب معي بشر بن بشار 3. أحمد بن محمد قال : حدّثني عدّة من أصحابنا قال 4. ومن مسائل علي بن الريّان وكتب إليه عليه السلام**

**آیت الله مددی : ببینید این مسائل علی بن ریان را جداگانه جمع کرده است ، مسائل عبد الله بن ، دقت کردید ؟ ایشان عده‌ای از این مسائل را اینکه می‌گوید روایة عبد الله بن جعفر معلوم می‌شود که عبد الله بن جعفر عده‌ای ، این عبارت مرحوم ابن ادریس چون خیلی آشنا نبوده مثل اینکه آن مجموعه‌ای که در بغداد به اسم ابن عیاش بوده اول مجموعه یک کمی اسم‌های یک چنین روشن نبوده و خود ایشان اهل تشخیص طبقات نبوده است ، به هر حال مجموعه‌ای از استفتائات را مرحوم ابن عیاش در بغداد جمع کرده است .**

**این کاری را که من الان دارم به شما می‌گویم این کار مثلا 1000 سال قبل شده است ، 1000 سال بیشتر 1040 سال قبل این کار قبلا در بغداد شده است مرحوم ، و این کار الان کار خوبی است شنیدم آن آقا هم جمع کرده است اینها اگر جمع بشود هم به لحاظ سندی و هم به لحاظ تاریخی جهاتی و بعد هم خود روایاتش یکی یکی تطبیق بشود و تحقیق بشود و تنقیح بشود خیلی مجموعه‌ی بزرگی است ، خیلی فوق العاده است و مثلا فرض کنید که همین مساله‌ی اتحاد افق ، ما صریح ترین روایتی که در اتحاد افق داریم همین روایت برای امام هادی است دیگر اصلا .**

**چون صریحا سوال می‌کند می‌گوید شب سه شنبه بود ما در بغداد ندیدیم و یقول الحساب من قبلنا ، حساب یعنی منجمین ، حساب در اینجا یعنی منجمین ، منجمینی که در اینجا هستند ، انه یری هذه اللیلة بعینها فی اندلس ، درست هم هست ، حضرت می‌فرمایند نه شما به افق خودتان .**

**یکی از حضار : حساب کردند می‌گویند همین جور هم هست به آن تاریخ چون معلوم بوده سالش و روزش معلوم بوده است .**

**آیت الله مددی : غرض اینکه خیلی عجیب است این روایت خیلی عجیب است یعنی این مطلب که شیعه بنایش به این شد که اتحاد افق را قبول نکند این صراحتا به نحو صریح صریح در روایت امام هادی آمده است یعنی روایت امام صادق حالا اهل بلد آخر شبهه داشته باشد آن که صریحا آمده که اگر شما ندیدید ولو جای دیگر ببینند به درد شما نمی‌خورد این روایت امام هادی است .**

**آن وقت چرا در این ، آن آقایان چرا در این روایت شبهه کردند چون کتب الیه فلان می‌گویند این را نمی‌شناسیم ، ما جواب دادیم توقیعات اصولا طبیعتش این است شناخته نمی‌شود ، چون توقیعات را افراد عادی نوشتند . می‌خواهید همین را بیاورید الحساب من قبلنا را بیاورید ، دقت کردید چه شد ؟**

**یکی از موارد شبهه که آیا مصدر اول ، متوسط همین توقیعاتی است که شده است ، مثل کتاب توقیعات عسکری سلام الله علیه مصدر اول ، توقیعات حمیری که خیلی هم مفصل است تصادفا ایشان هم مصدر اول است و آن مخصوصا توقیعات حمیری تا 100 سال بعد ابن غضائری پسر از او نام می‌برد و دیده است و حتی توصیفش می‌کند که سوال‌ها بوده بین سوال‌ها جواب ، مثلا سوال بوده دو سطر زیرش خالی بوده جواب بین سوال‌ها آمده نه جواب یک جا آمده باشد زیر هر سوالی جواب هم آمده است ، یعنی کاملا واضح می‌شود که این یک نسخه‌ی واحده بوده بعدی‌ها نقل کردند این روایت حساب را بخوانید تا من سندش را توضیح بدهم .**

**یکی از حضار : تهذیب تعلیق کرده گفته و عنه عن محمد بن عیسی حدیث قبلی اینطور بود محمد بن حسن الصفار عن علی بن محمد القاسانی قال کتبت الیه و انا بالمدینة**

**آیت الله مددی : عنه یعنی صفار از محمد بن عیسی عبید همین که عرض کردم من ، گفتم محمد بن عیسی عبیدی توقیعات امام هادی را جمع آوری کرده است یکی هم ایشان است و لذا عرض کردیم در باب توقیعات آن کاتب را نگاه نکنید کسی را که نگاه می‌کنید وکیل نوشته مثلا علی بن مهزیار وکیل است خصوصا اگر بنویسد و کتب علیه السلام و قرأت الجواب بخطه دیگر تایید می‌شود یا یک عالم بزرگی مثل محمد بن عیسی نوشته است یعنی راه شناخت توقیعات آن راوی نیست ، بخوانید ، عن محمد بن عیسی**

**یکی از حضار : بله عن محمد بن عیسی قال کتب الی ابو عمرو اخبرنی یا مولای**

**آیت الله مددی : ببینید اسم این آقا را نمی‌شناسیم ، درست هم هست ، اینها گفتند قال کتب علی ابو عمرو ، ابو عمرو را نمی‌شناسیم حدیث ضعیف است ، حدیث ضعیف نیست نه ، دقت کردید ؟ ما عادتا ابو عمرو ، این حتی احتمال دارد ابو عمر باشد حالا واوش باشد یا نباشد ، ما این شخص را کلا نمی‌شناسیم و این طبیعی است کاملا طبیعی است ، یعنی امر کاملا طبیعی است الان حتی این علما که مجموعه‌ی استفتائاتشان چاپ می‌شود خوب اسم فرد هم هست ، مثلا سوال فلانی آقای فلانی ارادتمند شما فلان ، نمی‌شناسند ، دفترشان هم نمی‌شناسند ، این طبیعی است امری است کاملا طبیعی آن را که برای ما ارزش دارد این هست که جامع کتاب ، جامع کتاب محمد بن عیسی است .**

**آن وقت این نسخه به نظر من مصدر اصلی این حساب می‌شود ، صفار هم از این نقل کرده است از این کتاب محمد بن عیسی نقل کرده است . بله یک نکته‌ای مشکلی که برای ما پیدا شد من در یک جا دیدم که محمد بن عیسی توقیعاتی از ابی الحسن الثالث دارد کتاب توقیعات بعد گشتم پیدایش نکردم نمی‌دانم کجا دیدم ، حالا یادم رفته است . این که توقیعات دارد استنباط خودم است یا در جایی نصا آمده است تصریح شده باشد الان در ذهنم نیست در محمد بن عیسی ، پس یک نکته‌ای که الان ما باز داریم در مسائل به اصطلاح مصدر متوسط و مصدر اول این نکته است که این توقیعات را چه کار بکنیم ؟**

**نکته‌ی دیگری که باز داریم ما در اینجا که باز منشاء شبهه شده است ، گاهی اوقات ما مثلا شخصی را داریم که نقل می‌کند نمی‌دانیم آیا و این شخص خودش ولو در رتبه‌ی مصدر متوسط است اما خودش در کتابش نیامده است این را هم ما مصدر متوسط بعدی حساب می‌کنیم مثلا ما محمد بن عیسی اسم بردیم از یونس نقل می‌کند ، لکن ما می‌دانیم که محمد بن عیسی راوی کتب یونس است ، ما مصدر متوسط را محمد بن عیسی حساب نمی‌کنیم ، مصدر متوسط را یونس حساب می‌کنیم الان در کافی زیاد ، روشن شد ؟ این مصدر متوسط، می‌خواهم نکات مصدر متوسط را بگویم .**

**این اینطوری نیست که هر کسی اسمش آمد بگوییم مصدر متوسط چرا ، چون مرحوم شیخ طوسی این را مرحوم شیخ طوسی در ترجمه‌ی به نظرم یونس دارد از ابن الولید نقل می‌کند قال ابن الولید کتب یونس بن عبدالرحمن التی هی بالروایات تعبیرش این است ، کلها صحیحة معتمد علیها الا ما ینفرد به محمد بن عیسی . آن وقت مراد از روایات در اینجا نسخ همین که من عرض کردم .**

**یعنی کتاب یونس بن عبد الرحمن که به قم آمده نسخه‌های متعدد دارد**

**یکی از حضار : قال ابو جعفر بن بابویة سمعت ابن الولید رحمه الله یقول کتب یونس بن عبدالرحمن التی ... کلها صحیحة یعتمد علیها الا ما ینفرد به محمد بن عیسی بن عبید عن یونس فلم یروه غیره فانه لا یعمد علیه و لا یفتی به .**

**آیت الله مددی : پس کتاب محمد بن عیسی نیست ، کتاب یونس است . روشن شد چه می‌خواهم بگویم ؟ مصدر متوسط ولو محمد بن عیسی کتب دارد لکن مصدر متوسط محمد ، این هم یک نکته‌ای که ، برای شناخت ، چون گاه گاهی اینها راوی هستند وقتی راوی بودند دیگر اینها خودشان مصدر متوسط حساب نمی‌شوند دقت کردید ؟ مصدر متوسط آن بعدی است یعنی مصدر متوسط ما الان یونس است اگر ما روایت کلینی دیدیم علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس نمی‌گوییم مصدر متوسط ما محمد بن عیسی است ما اینجا نسخه شناسی کتاب یونس می‌کنیم ، دقت فرمودید ؟ نسخ کتاب یونس را مقابله می‌کنیم که کتب مشهور بوده و دارای نسخ مختلف بوده است .**

**البته این ادعای ابن الولید که کلها معتمد علیه الان نمی‌شود قبولش کرد ما از کسانی که داریم یکی اسماعیل مرار است که توثیق نشده است البته آقای خوئی به خاطر تفسیر علی بن ابراهیم توثیقش کردند که خیلی ارزش علمی ندارد . یکی هم صالح بن چه ، سندی ، صالح بن کیست ، همین علی بن سندی و محمد بن سندی برادرشان هم ، صالح بن اسماعیل است ظاهر ، صالح بن سندی ایشان هم از راویان کتاب یونس است .**

**ما عده‌ای از افراد داریم که راویان کتاب یونس هستند و خیلی وضع روشنی ندارند مگر به همین عبارت ابن الولید ، ابن الولید قبول کرده است . ابن الولید در نسخه‌ای که محمد بن عیسی به قم آورده است ، عجایبی دیده عجایب را به اشکال محمد بن عیسی داده است، ما به نظرمان اگر اشکالی هست روی خود شاید یونس بوده ، مبداء کار ، اشکال سر کار سر یونس بوده حالا یونس اعتقاد داشته آن بحث دیگری است .**

**غرضم یک نکته‌ی دیگری که داریم ما الان این است که ما گاهی اوقات یک شخص با اینکه خودش جزو مصادر متوسط است اما خودش را مصدر متوسط حساب نمی‌کنیم ، راوی بعدی را مصدر متوسط حساب می‌کنیم و از این قبیل است هنوز هم متحیر هستیم ما روایاتی داریم عن محمد بن عیسی عن یاسین ضریر عن حریز ، حالا مشکل کجاست چون حریز که دارای کتاب بوده بحث ندارد ، یاسین ضریر را هم مرحوم نجاشی برایش کتاب نسبت داده است بیاورید یاسین ضریر را له کتابٌ ، راوی کتابش هم محمد بن عیسی است .**

**خود یاسین ضریر را ما نمی‌شناسیم آشنایی با ایشان نداریم ، یاسین ضریر بصری ما آشنایی با یاسین ضریر نداریم ، کتاب از آن طرف هم کتابش اسم ندارد ، این شبهه پیدا می‌شود که یاسین ضریر نوشتاری ، نسخه‌ای از کتاب حریز داشته این نوشتار را داده به محمد ، روشن شد ؟**

**یکی از حضار : و صنف هذا الکتاب المنسوب الیه ، عبارت نجاشی**

**آیت الله مددی : عبارت نجاشی .**

**کتابی و اما کتاب چیست روشن نیست الان چون منفردا و الان ما در روایات از یاسین بن ضریر همین محمد بن عیسی داریم ، البته بعضی‌ها دارد احمد بن محمد بن عیسی آن ظاهرا اشتباه نسخه باشد و یاسین ضریر هم تا آن جایی که من می‌دانم بیاورید فقط از حریز نقل می‌کند به ذهن من الان این است و این حالا ما نمی‌دانیم آیا این نسخه از کتاب حریز است دست ایشان رسیده یا خود کتاب یاسین ضریر است که مصدر متوسط حساب می‌شود و محمد بن عیسی از او نقل می‌کند به هر حال**

**یکی از حضار : الان یک روایت عبد الرحمن بن ابی عبد الله بصری دارد در کافی هم هست ، قال حدثنی عبد الرحمن بن ابی عبد الله یک دانه است**

**آیت الله مددی : این ثقه‌ی جلیل است .**

**یکی از حضار : در فقیه هم یک دانه است .**

**آیت الله مددی : از یاسین چه کسی نقل می‌کند .**

**یکی از حضار : در کافی تصریح شده که محمد بن عیسی ، اما در فقیه به مشیخه ارجاع شده است روی عن یاسین الضریر**

**آیت الله مددی : روی دارد از آن راه مشیخه ، آن وقت در**

**یکی از حضار : از محمد بن عیسی بن عبید دارد**

**آیت الله مددی : بله از طریق محمد بن عیسی نباید باشد به نظرم**

**یکی از حضار : در تهذیب هم دوباره ، آن ظاهرا یک روایت باید باشد چون**

**آیت الله مددی : روایت واحد ، آن وقت این که عبارت نجاشی را در یاسین ضریر بخوانید می‌گوید این کتاب را نوشته الکتاب المنسوب، معلوم می‌شود کتاب به معنای مکتوب است من عرض کردم بعضی جاها یعنی مجموعه‌ی روایت نوشته آن نوشته‌ها را اجازه داده به محمد بن عیسی و این نوشته‌ها الان آن مقداری که ما مطلع هستیم حریز است ، الان مقداری که ما مطلع هستیم .**

**و لذا ما با این معامله‌ی یک نسخه‌ی دیگر از کتاب حریز کردیم اصلا این معامله‌ی ما بببینید ایشان طریق نجاشی را بیاورید در یاسین ضریر**

**یکی از حضار : لقی ابی الحسن موسی علیه السلام لما کان بالبصرة وروی عنه وصنف هذا الکتاب المنسوب الیه اخبرنا محمد بن علی قال حدثنا احمد بن محمد بن یحیی قال حدثنا السلط قال حدثنا محمد بن عیسی بن عبید عن یاسین به**

**آیت الله مددی : و الان ما داریم روایت زیادی نسبتا معتنا به هست ، زیاد نیست که مرحوم محمد بن عیسی عن یاسین ضریر از حریز نقل می‌کند ، در حج داریم ، در صلاة داریم در غیر و انفراد هم دارد ما به مناسبت بحث متن حدیث اگر ذهن مبارکتان باشد یک حدیث واحد داریم که طواف باید بین مقام ابراهیم و کعبه باشد این منحصرا طریقش همین است ، محمد بن عیسی عن یاسین عن حریز عن محمد بن مسلم .**

**یکی از حضار : ضریر یعنی نابینا**

**آیت الله مددی : بله .**

**منحصرا ، دقت کردید ؟ در کافی هم آمده است البته و طریقش منحصر به این است از آن طرف هم کتاب حریز ، کتاب معروف مشهور نسخ متعدد ، نسخش خیلی متعدد نیست اما نسخه‌ی حماد فوق العاده مشهور است و این نسخه‌ی حماد در قم آمده است ، حسین بن سعید از او نقل می‌کند فرض کنید ابراهیم بن هاشم از او نقل می‌کند ، گاهی فضل بن شاذان از او نقل می‌کند خیلی نسخه‌ی معروفی است نسخه‌ی حماد در بقیه‌ی نسخ کلا نیامده است ما اینجا نمی‌دانیم معامله‌ی با کتاب حریز با آن بکنیم یا معامله‌ی با کتاب یاسین ضریر**

**یکی از حضار : فقط مشکلش این است که بیشترش یعنی پانزده‌تایش بیشتر موضوعاتش حج است و بعد هم مکاسب و بیع**

**آیت الله مددی : حج است بله صلاة و اینها کمتر بله**

**یکی از حضار : طهارت دارد ولی**

**آیت الله مددی : ما الان مشکلی که الان داریم در اینجا این است ما الان فعلا از باب احتیاط با آن معامله کردیم یک نسخه از کتاب حریز ، این یک . مساله‌ی دوم اینکه می‌گوید لقی ابی الحسن شاید بگوید به اینکه مثلا ایشان طبقه‌اش بعدی بوده ، ابی الحسن مراد موسی بن جعفر است ، اما ابی الحسن را در بصره دیده است ایشان ، همین یاسین ضریر شاید مثلا جزو اصحاب حضرت رضا بوده زمان ، چون باید بخورد به محمد بن عیسی ، محمد بن عیسی یقطینی**

**یکی از حضار : تصریح کرده به بصره ؟**

**آیت الله مددی : بله چون حضرت در زندان بصره بودند یک مدتی**

**یکی از حضار : لما کان بالبصرة**

**آیت الله مددی : لما کان بالبصرة یک ملاقاتی ، این معنایش این است که ایشانش طبقه‌اش برای بعد از حضرت رضا و اینهاست لکن حضرت موسی بن جعفر هم دیده است آن وقت یاسین ضریر از حریز نقل می‌کند ، حریز شواهدش نشان می‌دهد زمان امام صادق شهید شده است اینکه یاسین ضریر حریز را دیده باشد محل کلام است ، دقت کردید ؟ آن وقت این تعبیر مرحوم ابن الولید ما کان فیه عن محمد بن عیسی باسناد منقطع شاید اشاره به این باشد ، شاید نمی‌دانیم حالا به چیست .**

**یعنی ایشان از یاسین ضریر از حریز نقل می‌کند که سند منقطع است ، طبقه‌ی او نیست ، طبقه‌ی حریز نیست ، حالا این را چون باید بعد جداگانه شرح بدهیم این را بعد دو مرتبه ، غرضم به هر حال هم یاسین ضریر شرح حال روشنی ندارد و انفرادی که دارد از به اصطلاح از حریز است حالا یک حدیث از غیرش دارد عبد الرحمن بن ابی عبد الله ، ابی عبد الله بصری از روات اهل سنت است نزد اهل سنت معروف است به همین عنوان هم معروف است ابو عبد الله بصری به اسم نه ، آن وقت پسرش از روات شیعه است عبد الرحمن از اجلاء ماست یعنی به حساب از مصادر اولیه است یعنی عبد الرحمن بن ابی عبد الله جزو مصادر اولیه‌ی بصره‌ی ما حساب می‌شود ، یاسین ضریر هم از بصره است اهل بصره است از او نقل می‌کند دیگر به هر حال فعلا یک مقداری اشکالات ما در حقیقت در اینجاست یعنی در مصدر اول و متوسط این است که ما از کتاب یاسین ضریر حسابش بکنیم یا از کتاب حریز .**

**لکن چون به هر حال یاسین ضریر از حریز گرفته است ما در طبقه بندی‌اش این را جزو کتب حریز حساب می‌کنیم ، روایات حریز حسابش می‌کنیم و انفراد هم دارد البته از یاسین ضریر یکی دو تا ، از محمد بن عیسی ، از یاسین ضریر یکی دو تا دیگر هم داریم مثل احمد بن محمد بن عیسی عن یاسین که به نظرم اشتباه است اشتباه نسخه باید باشد ، کسانی که از یاسین نقل می‌کنند از یاسین ضریر .**

**به نظرم احمد بن محمد بن عیسی ، احمد بن محمد عن محمد بن عیسی بوده است ، عن محمد بن عیسی ، به نظرم باید این جوری باشد آن جوری که نوشته شده است فکر نمی‌کنم باشد به آن ترتیب وارد نشده است . علی ای حال یک نکته هم و جزو این محمد بن عیسی مشایخ**

**یکی از حضار : غیر از ایشان مثلا در کافی محب بن شعیب نیسابوری هست در استبصار محب بن شعیب نیسابوری هست و در تهذیب هم از طریق کلینی هست بعد محمد بن احمد بن یحیی بن عمران تک سند هست در کافی**

**آیت الله مددی : محمد بن احمد بن یحیی بن عمران همین صاحب نوادر الحکمة است قطعا محمد بن عیسی افتاده است چون ایشان یاسین ضریر را درک نکرده است ، محمد بن احمد بن**

**یکی از حضار : بله البته در سندی که چاپ شده است محمد بن عیسی این را تصحیحش کردند محمد بن احمد بن یحیی منتهی شما فرمودید تصحیحش کنید به احمد عن محمد بن عیسی**

**آیت الله مددی: آها این طور باید باشد ، معلوم شد ؟ محمد بن احمد بن یحیی اصلا این جزو مشایخ است چون جزو استثنائات ابن الولید است اصلا تصریح کرده است ، ابن الولید می‌گوید روایتی که محمد بن احمد از محمد بن عیسی نقل می‌کند باسناد منقطع این به همین مناسبت .**

**پس اینکه محمد بن احمد بن یحیی از یاسین ضریر نقل کند این باطل است این سند خرابی دارد ، این باید اینطوری باشد محمد بن احمد عن محمد بن عیسی عن یاسین ، آن یحیی نبوده عیسی است . یا محمد تنها عن محمد بن عیسی عن یاسین ضریر آنجا هم تصحیح کرده توضیح دادیم .**

**علی ای حال با این تفسیر طبقاتی که ما عرض کردیم می‌شود خیلی راحت هم شناسایی عیوب سند را پیدا کرد و هم خیلی راحت ارزیابی کرد حدیث را ارزیابی فهرستی یعنی مشکلی که ما الان داریم سر وثاقت یاسین ضریر نیست .**

**یکی از حضار : آن یک موردی هم که در چیز است در کافی است**

**آیت الله مددی : اما یک جا محمد بن احمد بن عیسی هم داریم عن یاسین ضریر من به ذهنم اینطور است الان احمد بن محمد آن هم باید**

**یکی از حضار : در کافی است دیگر احمد بن محمد بن عیسی بعد تصحیحش کردند گفتند که اینطور باید درستش محمد بن احمد بن یحیی باشد .**

**آیت الله مددی : نه این طور گفتیم این طور بوده محمد بن احمد عن محمد بن عیسی عن یاسین ضریر احمد بن محمد عیسی غلط است .**

**یکی از حضار : بله اینطوری تصحیح شده است .**

**آیت الله مددی : این دقت کردید ؟ این وقتی که اسانید را با هم دیگر بررسی کردیم و طبقات و نسخه شناسی فقط الان دقیقا نمی‌توانیم بگوییم که آیا یعنی محمد بن عیسی اضافه‌ی بر اینکه خودش کتاب داشته راوی کتب هم هست این هم یک نکته‌ی دیگری است در مثل محمد بن عیسی این را سریعا می‌گویم که بعد چون یک توضیحی بعد عرض می‌کنیم .**

**یک قسمتی هم یعنی محمد بن عیسی هم خودش تالیف دارد که می‌شود جزو مصادر متوسط ، هم راوی کتب است مثل فرض کنید کتاب یونس یا یاسین ضریر راوی کتب است هم اضافه‌ی بر اینها روایات شفاهی هم دارد . آیا حالا اینها را نوشته بوده یا نقل کرده است آنها برای ما روشن نیست .**

**مثلا همین روایتی که می‌گوید حضرت جواد می‌فرمایند علیکم بالاغتیال این روایت شفاهی است در کتابی نیست و این البته عرض کردیم یک دفعه‌ی دیگر عرض کردیم محمد بن عیسی دو تا روایت دارد در باب ترور از امامان متاخر ما که کسی دیگری هم نقل نکرده است و خیلی هم عجیب است یکی از حضرت جواد و روایاتش هم نمی‌دانم به همین محمد بن عیسی برمی‌گردد .**

**علیکم بالاغتیال ، ترورش بکنید ، خدا رحم کرده که حضرت جواد زمان ما نبودند و الا سازمان مبارزه‌ی جهانی با تروریسم ایشان را دستگیر می‌کردند ، یکی هم از امام هادی راجع به فارس بن حاتم این هم محمد بن عیسی است و این خیلی بدتر است می‌گوید رفتم یک شمشیر آوردم حضرت فرمودند با این نه ، اصلا تماس با حضرت هادی در به اصطلاح بغداد فوق العاده مشکل بود ، حتی دیدن حضرت در خیابان مشکل بود بعد می‌گوید اصلا رفتم ساطور آوردم حضرت فرمود این خوب است با ساطور بزنیدش ، یک کرامتی هم نقل می‌کند که با ساطور زدم ساطور پرت شد مردم هم ریختند و من را پیدا نکردم غرض می‌خواهد بگوید که آن آقا کله‌اش را شقه کرده است .**

**علی ای حال هم نحوه‌ی ترورش هم خیلی دلخراش است دقت می‌کنید ؟ و این متاسفانه به نظر من روایات شفاهی محمد بن عیسی است نه از مصدری نقل می‌کند نه خودش در کتاب ظاهرا شفاها از او نقل کردند و هر دویش برای ما و نمی‌دانیم هنوز هم محمد بن عیسی چرا این دو مطلب را نقل کرده است چون از امام دیگری ما این مطلب را نداریم . قصه‌ی مسلم را داریم که حضرت فرمود الاسلام قید الفتک ، قصه‌ی مسلم بن عقیل داریم که شریک بن عبد الله دعوت کرد عبید الله بن زیاد را بعد به مسلم گفت بلند شو پشت در بایست و ترورش بکن گفت نه ، الایمان قید الفتک ، ما اهل ترور کردن نیستیم .**

**آن که خوب معروف است منبری‌ها هم می‌خوانند اما این دو تا تعبیر خیلی بله آقا ؟ این دو تا تعبیر خیلی تعبیر عجیبی است و من ندیدم کسی راجع به ترجمه‌ی محمد بن عیسی روی این جهت دست گذاشته باشد .**

**یکی از حضار : دو نفر کاملا مشخص است اسم او**

**آیت الله مددی : اسم هر دویشان مشخص است علیکم بالاغتیال می‌خواهید بیاورید ، راجع به این حضرت جواد ، آن وقت می‌گوید آن طرف وقتی فهمید حضرت جواد گفتند خیلی مواظبت کردند تا دور شد از مساله آن طرف دائما مواظب بود که ترور نشود اما آن فارس بن حاتم که ترور شد با ساطور آن هم ، زد به کله‌اش نصفش کرد .**

**علی ای حال انصافا قبول این دو تا روایت خیلی ، نه قبولش اصلا چطور محمد بن عیسی ، آن وقت از آن طرف هم اینها از خاندان یقطین هستند که یقطین از دعات معروف بنی عباس است اصلا یقطین از چهره‌هایی بود که از عراق و از مدینه بود رفت به خراسان در رکاب ابو مسلم خراسانی بود اصلا در جنگ‌های ابو مسلم شرکت کرده است و لذا بنی عباس برای یقطین خیلی ارزش قائل بودند چون یکی از ارکان حرکت آنها یقطین بود ، بچه‌هایش تصادفا با موسی بن جعفر و ائمه بودند من جمله علی بن یقطین معروف و من از بچه‌های یقطین الان سه نفر را می‌شناسم .**

**یکی از حضار : آن روایت اسلام قید الفتک هم دارد**

**آیت الله مددی : الایمان الاسلام دارد ، چون آنجا دارد یعقوب بن یقطین گفتند شیعه بوده و یکی هم عبید جد این محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین**

**یکی از حضار : قِید الفتک هم می‌شود خواند یا نه ؟**

**آیت الله مددی : قِید الفتک به نظر من درست نباشد قَیّد الفتک ، الاسلام قَیَّد الفتک ، فتک همان ترور است دیگر ، غرض اینکه با این روایت خیلی عجیب است نوشته بود آن شخص هم خیلی مواظب بود که ترور نشود تا اینکه نمی‌دانم قصه چه شد حضرت جواد شهید شدند چه شد قصه به هم خورد یا جای دیگر رفت ، غرض آن دارد در تتمه‌ای دارد علیکم بالاغتیال**

**یکی از حضار : ها اینجا دارد که می‌گوید قال حدثنا محمد بن عیسی بن**

**آیت الله مددی : ببینید حدثنا گفت این درست است یعنی شفاهی است حدیث**

**یکی از حضار : از اولش بخوانم قال سعد ، شماره 1013 کشی : قال سعد: و حدثني محمد بن عيسى بن عبيد، قال: حدثني اسحاق الانباري، قال، قال لي أبو جعفر الثاني عليه السّلام: ما فعل أبو السمهري لعنه اللّه يكذب علينا، و يزعم أنه و ابن أبي الزرقاء دعاة إلينا، أشهدكم أني أتبرأ الى اللّه عز و جل منهما، انهما فتانان ملعونان، يا اسحاق**

**آیت الله مددی : البته اشکال مهمی ندارد این دو شخص از شیعه بودند و غلاتی بودند که برای ائمه الوهیت یعنی حضرت می‌گویند این مشکل درست کرده برای ما ، آبروی مذهب را می‌برند ، خیلی هم چنین . اما اینکه حضرت بگویند اغتیال بکند آن مشکل دارد ، آن فارس بن حاتم هم همینطور بوده است یعنی آن هم جزو شیعیانی بوده که گمراه می‌کرده شیعه را بحث الوهیت ائمه را ، از این منحرفین بوده نه منحرفین اهل سنت که بخواهد مثلا دقت می‌کنید ؟ خوب بله .**

**یکی از حضار : یا اسحاق أرحني منهما يرح اللّه عز و جل بعيشك في الجنة .** **فقلت له: جعلت فداك يحل لي قتلهما؟ فقال: انهما فتانان يفتنان الناس، و يعملان في خيط رقبتي و رقبة موالي، فدماؤهما**

**آیت الله مددی : نخ رگ ما ، ها یعنی آبروی ما ، به دولت اصلا ما را پیگیری می‌کند برای ما دردسر درست می‌کند اصلا ما را به کشتن می‌دهد اصلا نه اینکه خیط رقبتنا بله**

**یکی از حضار : فدماؤهما هدر للمسلمين، و اياك و الفتك، فان الإسلام قد قيد الفتك و أشفق أن قتلته ظاهرا أن تسأل لم قتلته، و لا تجد السبيل الى تثبيت حجة، و لا يمكنك ادلاء الحجة فتدفع ذلك عن نفسك، فيسفك دم مؤمن من أوليائنا بدم كافر، عليكم بالاغتيال .**

**یکی از حضار : ها یعنی خودت را می‌کشند اگر نتوانستید .**

**یکی از حضار : قال محمد بن عيسى:**

**آیت الله مددی : من نمی‌فهمم فرق بین فتک و اغتیال چیست ، نه ؟**

**یکی از حضار : یعنی یک جوری که نفهمند تو کشتی**

**آیت الله مددی : بعد هم خیلی مواظب باش نفهمند تو هر جوری هست دفعش بکن**

**یکی از حضار : بقیه نمی‌فهمند .**

**آیت الله مددی : دقت کردید ؟ علیکم بالاغتیال ، بله .**

**یکی از حضار : قال محمد بن عیسی : فما زال اسحاق يطلب ذلك أن يجد السبيل الى أن يغتالهما بقتل، و كانا قد حذراه لعنهما اللّه .**

**آیت الله مددی : حذراه ، نه حذّراه ، پرهیز**

**یکی از حضار : از اغتیال پرهیز می‌کردند .**

**آیت الله مددی : مواظب بودند که ترور نشوند در دام نیافتند ، روشن شد ؟ دیگر حالا تا بعد می‌گوید چه آخرش ؟**

**یکی از حضار : و كانا قد حذراه لعنهما اللّه .**

**آیت الله مددی : ها من خیال می‌کردم بعدش هم دارد که تا یک مدتی اینها احتیاط می‌کردند .**

**علی ای حال این روشن شد چه می‌خواستم بگویم ؟**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**